

مصر

ویژگی‌های تاریخی-هنری آن در

جامه کعبه



دکتر محمد الدقن / هادی انصاری

در بخش‌های پیشین توضیح داده شد که مصر از دوران پیش از اسلام در بافت و تهیه پرده کعبه نقشی تعیین کننده داشته است، در این مقاله توجه خوانندگان گرامی را به ویژگی‌های هنری بکار گرفته شده توسط مصریان در پرده کعبه جلب می‌نمایم:

مصر از دوران جاهلیت و پیش از آنکه به اسلام بگردد، همواره افتخار بافت جامه کعبه معظمه را به خود اختصاص داده بود. این ویژگی به علت شهرت این کشور در ساخت پارچه‌های مرغوب بود که در آن هنگام، بدان «قباطی» می‌گفتند. پادشاهان تبع، کعبه را همواره به وسیله جامه‌هایی از قطعات چرم و نیز گاهی به وسیله قباطی پوشش می‌دادند. هنگامی که اسلام ظهور نمود و زمین به نور آن منور شد، پیامبر گرامی ﷺ کعبه را به وسیله قباطی و بردهای یمانی پوشانید. پس از او ابوبکر و عمر بن خطاب نیز آن را به وسیله قباطی پوشاندند. مصر وقتی در دوران عمر فتح شد، جامه کعبه به صورت رسمی و به فرمان خلیفه از سوی نماینده‌ی وی در مصر ساخته می‌شد و به کعبه ارسال می‌گردید و این وضع همچنان تا دوران عثمان برقرار بود که در این میان بردهای یمانی نیز بدانها افزوده شد. سپس در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس، به فرمان آنان



همه ساله جامه شریفه را در مصر می‌بافتند و به کعبه می‌فرستادند. البته برخی از سال‌ها از خارج از مصر نیز ارسال می‌گردید. هنگامی که تعداد جامه کعبه در یکسال به بیش از یک جامه می‌رسید، معمولاً یکی از آنها از قباطی بود.

وقتی حکومت عباسیان به ضعف گرایید، جامه کعبه گاه از یمن و گاهی از مصر و موارد اندکی از جاهای دیگر؛ مثل سرزمین ایران، هند و فارس ارسال می‌شد.

این وضعیت همچنان ادامه داشت تا اینکه در دوران ممالیک، مصر ویژگی خود را در مورد ساخت جامه و ارسال سالانه آن به کعبه معظمه به دست آورد. بدین صورت که ملک «صالح اسماعیل» فرزند ملک «ناصر محمد بن قلاوون» (نامبرده از سال ۷۴۳-۷۴۶ هـ. بر مصر حکومت می‌کرد) سه دهکده مصری به نامهای «بیسوس» (باسوس) و «سندیس» و «ابوالغیط» را از پول بیت المال خریداری کرد و آنها را وقف تهیه و ساخت جامه کعبه معظمه در هر سال نمود. همچنین از درآمد روستاهای یاد شده ساخت جامه حجره نبوی شریف و منبر نبوی در هر پنج سال را مقرر گردانید. ارسال جامه کعبه بدین کیفیت تا آغاز دوران حکومت عثمانیان همچنان ادامه یافت.

در این دوران و به هنگام سلطنت سلطان سلیمان قانونی در سال ۹۷۴ هـ. از سوی نامبرده هفت دهکده دیگر در مصر خریداری شد و به سه روستای پیشین اضافه گردید. پس از آن، دهکده‌های وقف شده برای تهیه و ساخت جامه کعبه مشرفه، به ده روستا رسید که از درآمد آنها جامه بیرونی کعبه در هر یک سال یکبار و نیز جامه درونی کعبه و جامه حجره نبوی شریف و منبر نبوی و دیگر جامه‌ها هر پانزده سال یکبار ساخته و مهیا می‌شد.

و نیز همچنانکه پیش از این گفتیم، دولت عثمانی به هنگام سلطنت هر یک از پادشاهان آن، جامه درونی کعبه و جامه حجره نبوی شریف را خود ارسال می‌نمود که در این میان مصر همچنان ویژگی ارسال جامه بیرونی کعبه در هر سال را به خود اختصاص داده بود. ضمن آنکه خود ساخت و تهیه پارچه دو جامه درونی و بیرونی کعبه و نیز جامه حجره نبوی شریف را به عهده داشت. این وضعیت تا سال ۱۱۱۸ هـ. همچنان دوام داشت. در این سال، سلطان احمد سوم فرمان داد جامه درونی که به هنگام سلطنت هر یک از پادشاهان عثمانی به کعبه ارسال می‌گردید، در استامبول بافته شود. این جامه

همواره پس از آماده شدن به مصر فرستاده می‌شد تا به همراه جامعه بیرونی کعبه، به مکه ارسال شود.

این برنامه همچنان ادامه یافت تا این که در سال ۱۳۸۱ ه. - همانگونه که پیشتر گفتیم - پس از حادثه بازگشت جامعه از حجاز، ارسال آن برای مدتی متوقف گردید. سپس بار دیگر در برخی از سالها به علت شرایط ویژه سیاسی؛ مانند حمله فرانسویان به مصر و نیز سال‌هایی که در آن اختلافات سیاسی میان مصر و قدرتمندان حاکم بر حجاز پیش آمد - همچنانکه پیشتر آوردیم - ارسال جامعه کعبه از مصر به مکه متوقف شد.

ترقی و پیشرفت آذین و زردوزی بر گلدوزیهای جامعه در مصر

از ویژگی‌های تاریخی مصر آن است که این کشور توفیق یافت جامعه کعبه را خود مهیا سازد و سپس به کعبه معظمه ارسال نماید و این موجب شد که از دیدگاه هنری و فنی در جایگاه برجسته‌ای قرار گیرد؛ به طوری که روز به روز هنر خویش را در آذین و زردوزی بر گلدوزیهای جامعه کعبه رشد داد تا آنجا که ضمن پیشرفت در بافت جامعه و افزایش مرغوبیت آن، در آذین و زردوزی بر گلدوزیهای آن نیز دارای نوآوریهای ویژه‌ای شد و زیبایی‌های منحصر به فردی را در این زمینه به دست آورد.

ترقی و پیشرفت این هنر موجب شد که از این پس، جامعه از نظر استحکام و زیبایی در جایگاه والایی قرار گیرد. این وضعیت در نتیجه قدرت و مهارت صنعتگران آن بوده که این هنر را همواره با ارث بردن از پدران خویش ادامه داده و نسلی پس از نسل دیگر در این زمینه فعالیت نمودند؛ زیرا این گروه در آغاز سنین جوانی، آن هنگام که سن هر یک از آنان از سیزده سالگی تجاوز نکرده بود، قدم در آموزش این هنر گذارده و در طول دوران زندگی خویش، که گاه به هشتاد و حتی به نود سال می‌رسید، همچنان در این هنر فعالیت و کوشش می‌کردند که در این میان همواره با افزایش سن و تجربه آنان، هنر آذینی و خلایقیت آنان نیز افزایش می‌یافت. دستان این صنعت‌گران همانند دستگاه میکانیکِ منظمی حرکت می‌کرد تا آنجا که چشم بینندگان را در هنگام کار به حیرت و امی داشت.

متأسفانه هم‌اکنون آن صنعت‌گران ماهر و آن دستان هنرآفرین از میان رفته‌اند؛ زیرا گروهی از آنان ندای حق را لیک گفته‌اند و گروهی دیگر به علت کھولت سن از کار



افتاده‌اند. هم‌اکنون از آن نسل، حاج محمد سلیمان خلیف ۹۰ ساله و حاج یوسف اسماعیل اصیل ۷۵ ساله را می‌توان نام برد.

ویژگی مصر در ساخت و تهیه جامه کعبه معظمه، تأثیر بسزایی در پیشرفت هنر زردوزی و آذین به وسیله تارهای نقره و طلا در آن گذاشت؛ به طوری که این هنر تنها در آذین‌بندی جامه گلدوزی‌های آن منحصر نگردیده بلکه کارگاه جامه‌بافی در مصر اقدام به کارهای هنری و زردوزیهای گوناگون دیگری نمود.

در این میان می‌توان به زردوزی‌های لباسهای تشریفاتی در مناسبات و جشن‌های رسمی برای افرادی که رتبه پاشایی و دیگر مناصب ارتشی و نیز مردان سیاسی و رجال دینی^۱ را دارا بودند، اشاره کرد؛ همچنانکه این گروه به زردوزی بر روی پرچم‌ها و نشان‌ها و رتبه‌های لباس مردان ارتش و پلیس نیز اقدام می‌کردند و در کنار آن همچنین آثار هنری و زیبایی بر روی چهارچوب‌ها و ضریح‌های اولیاءالله و صالحین به وجود آوردند و نیز شاهد تابلوهای اسلامی و تابلوهای هنری فراوان دیگری از آنان هستیم.

گفتنی است که در این زمینه، در برخی از کشورهای اسلامی، به ویژه در هند و پاکستان نوآوری‌های خاصی عرضه شده، لیکن می‌توان اذعان کرد که زردوزی و آذین مصر از اصالت و ویژگی خاصی برخوردار بود؛ زیرا آذین جامه کعبه معظمه به علت قرارگرفتن آن در طول سال در معرض تابش اشعه سوزان خورشید و نیز هوا و باران‌های آن، نیاز به عنایت و کوشش ویژه‌ای داشته و همواره صنعت‌گران و هنرآفرینان جامه، در این زمینه از هیچ کوششی درباره استحکام و مقاومت آن در برابر عوامل طبیعی یادشده به همراه دقت در زیبایی آن، دریغ نمی‌کردند.

بنابراین، جامه یادشده جدا از زیبایی و جمال آن، علی‌رغم آنکه در برابر عوامل آب و هوایی گوناگونی که در طول سال بر آن تأثیر گزارده، همچنان پایدار و مستحکم باقی می‌ماند. این وضع را می‌توان در زردوزیها و آذین جامه اخیر، که در سال ۱۳۸۱ ه. از جده بازگردانیده شده و هم‌اکنون در کارگاه جامه‌بافی در «خَرْنُفُش» در معرض دید همگان قرار دارد، ملاحظه کرد.

در اینجا آنچه که لازم به یادآوری است این است که در ضمن بررسی تاریخی از جامه کعبه مشرفه، برای ما روشن شد که در دوران‌های گذشته و قدیم، کعبه گاه دو یا سه

بار در سال به وسیله جامه پوشانیده می‌شد، سپس بعد از قرن ششم هجری این کار تنها یک بار در سال، آن هم در پگاه روز نحر (= عید قربان) صورت می‌پذیرفته است. بنابراین، چنین به نظر می‌رسد پارچه‌هایی که از آن برای کعبه جامه تهیه می‌نموده‌اند ضخامت و در نتیجه استحکام کافی نداشته است؛ به طوری که جامه‌های یادشده کمتر از یکسال بر روی کعبه باقی مانده است. لیکن پس از پیشرفت صنعت پارچه‌بافی، جامه‌های کعبه از ضخامت و قدرت و استحکام ویژه‌ای برخوردار گردید تا آنجا که این جامه‌ها در طول سال همچنان بدون هیچگونه آسیبی بر روی کعبه باقی می‌ماند. این نکته به ویژه پس از بوجود آمدن موقوفه یادشده در مصر، تأثیر بسزایی در مرغوبیت و ضخامت پارچه جامه گذارد. محمد طاهر کردی می‌گوید:

«هنگامی که مصر ویژگی تهیه جامه بر روی کعبه را به خود اختصاص داد و از آن پس، جامه را در هر سال به این دیار گسیل می‌نمود، جامه از زیبایی و قدرت کافی برخوردار گردید تا آنجا که ترقی و پیشرفت علوم و دانش فنی در مصر و نیز به وجود آمدن هنر آفرینی‌های نوین در خط عربی و هنر آذین و نقاشی در این کشور، همگی تأثیر فراوانی بر زیباسازی و آذین‌بندی جامه و پرده در کعبه گذاشته تا آنکه هم‌اکنون در بهترین آراستگی و زیبایی قرار گرفته است.»^۲

در اینجا پس از آن که فشرده‌ای درباره ویژگی مصر از نظر تاریخی و هنری نسبت به جامه کعبه در طول تاریخ را برای شما آوردیم، سخنی از پیشرفت صنعت جامه کعبه در مصر را به همراه کارگاه‌های جامه‌بافی آن، که شامل کارگاه جامه‌بافی کعبه در «خرنفش» و چگونگی کار در آن و نیز از کیفیت مواد اولیه آن، برای شما سخن گفته، سپس با توضیح هزینه‌های بافت جامه کعبه، این بخش را به پایان می‌بریم، از آن پس بخش بعدی سخن را به بررسی درباره قطعه‌ها و اندازه‌های جامه‌ای که از مصر به کعبه مکرماً ارسال می‌گردید، اختصاص خواهیم داد.

کارگاه‌های جامه‌بافی کعبه مکرمه در طول تاریخ

از دوران جاهلیت، همواره مصر به صنعت پارچه‌بافی نیکو، که در آن هنگام معروف به قباطی بود، شهرت داشته است؛ به طوری که در عصر جاهلیت و نیز در دوران



اسلام، کعبه مشرفه همواره به وسیله قباطی پوشانیده می‌شده است. در آن هنگام بهترین پارچه قباطی همانا بافته‌های قباطی تنیسی بود که در شهر «تنیس» بافته می‌شد. بدین سبب بود که خلفای عباسی همواره فرمان می‌دادند جامه کعبه را از قباطی دست‌ساخته شهر تنیس آماده سازند. بنابراین، در نوشته‌های تاریخ‌نگاران همواره شهر تنیس را بعنوان جایگاهی برای ساختن جامه کعبه مکرمه می‌شناسیم.^۳ همچنانکه به همین منظور همواره خلفا، لباس‌های تشریفاتی و گرانبه‌قیمت خویش را از این نوع پارچه‌ها انتخاب می‌کردند. شهر تنیس در آن هنگام در نزدیکی شهر دمیاط کنونی بوده است. مقریزی در کتاب «خطط» خویش در این باره چنین می‌نویسد.

«... شهری از سرزمین مصر بوده که در میانه آب قرار داشته است... مردمان آن را افرادی خوش‌برخورد و ثروتمند تشکیل می‌داد که بیشتر آنان شغل بافندگی را برای خود برگزیده بودند. در این شهر لباس‌های معروف به «شروب» را که در دنیا بی‌نظیر بوده نیز می‌بافته‌اند. همچنین لباس‌های خلفا که موسوم به «بُذنه» بوده و بیشتر تار و پود آن از طلا بود، در این شهر بافته می‌شد؛ به طوری که لباس‌های یادشده هر کدام تا حدود یک هزار دینار ارزش داشت. و نیز در دنیای آن روز لباس‌های عاری از تارهای زیور شده به طلا تنها از نوع کتان‌های تنیس و دمیاط بود که دارای ارزشی به مقدار یکصد دینار بود... همچنین این شهر ویژگی خاصی نسبت به تهیه لباس‌های توانگران و بازرگانان سرشناس داشت که در این میان نیز جامه کعبه در آن بافته می‌شد...»^۴

شهر تنیس همچنان رو به پیشرفت و ترقی بود تا اینکه به فرمان «ملک محمدبن عادل ایوبی» در سال ۶۲۴ هجری ویران شد. این دستور بدانجهت بود که فرنگیان بارها بدان هجوم آورده و آن را به ویرانی کشانده بودند. در پس آن اموال فراوانی برای تجدید ساختمان شهر یادشده بکار می‌رفت.^۵ از دیگر مکان‌هایی که جامه کعبه مصری، در آنجا بافته می‌شد، می‌توان دو شهر «شطّا» و «تونه» را نام برد. دو شهر یادشده از سرزمینهای تابع شهر تنیس به شمار می‌آمدند. در این دو منطقه، صنعت قباطی همانند تنیس بافته می‌شد. پیش از این به هنگام سخن از بافت جامه در دوران عباسی از آن یاد کردیم.^۶

صنعت جامه کعبه در پاره‌ای از اوقات به حرم حسینی^۷ انتقال می‌یافت. این مطلب در اوایل دوران ممالیک صورت پذیرفت. قلقشندی (متوفای سال ۸۲۱ هـ.) می‌گوید:

«اما ساختن جامه کعبه در دوران‌های نخستین، تنها ویژه خلفا بود... سپس ساختن آن در اختیار پادشاهان سرزمین مصر قرار گرفت که آنان همه ساله جامه را تهیه و آماده می‌ساختند، که تاکنون به همین منوال باقی مانده است. لازم به تذکر است که در این میان، گاه بر اثر استبداد و قدرت پادشاهان یمن، این امر در اختیار آنان قرار می‌گرفت. این جامه در قاهره و در حرم حسینی بافته می‌شد.

جامه یادشده از ابریشم سیاهی بود که با گلدوزیها و نوشته‌های سفید در متن آن آیه: ﴿إِنَّ أَوْلَ بَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَبَكَّةَ...﴾ به چشم می‌خورد. در پایان دولت ظاهریه برقوق، نوشته‌ها به رنگ زرد آذین شده به طلا تغییر یافت. این جامه، دارای ناظر مستقل و جداگانه‌ای بود که دهکده بیسوس از توابع قاهره وقف آن شده بود و عایدات آن صرف تهیه جامه یادشده می‌گردید.^۸

از گفته‌های قلقشندی می‌توان چنین نتیجه گرفت که جامه در ربع اول از قرن نهم هجری در حرم حسینی بافته می‌شد. همچنانکه واضح می‌گردد مصر پس از خلفای بنی عباس ویژگی بافتن جامه را به خود اختصاص داد و از آن پس پیشرفت‌های هنری فراوانی در این زمینه به دست آورد تا آنجا که گلدوزی‌های طلایین بر روی آن به وجود می‌آورد.

از جایگاه‌های دیگری که می‌توان به عنوان کارگاه جامه کعبه مکرمه نام برد، قصر ابلق در قلعه^۹ می‌باشد. البته نمی‌توان دقیقاً زمان انتقال صنعت جامه بدین قصر را مشخص کرد اما از سخن مقریزی چنین فهمیده می‌شود که این قصر در سال ۷۱۳ هـ. به وسیله ملک «ناصر محمدبن قلاوون» بنا گردیده و نامبرده از آن به عنوان مرکز حکومتی در بیشتر روزهای هفته استفاده می‌کرده است. بنا به گفته مقریزی این انتقال ظاهراً در دوران او صورت گرفته است (متوفای سال ۸۴۶ هـ.).

همچنین از گفته‌های ابن ایاس^{۱۰} به هنگام برگزاری مراسم جشن جامه کعبه در سال ۹۲۳ هـ. که نخستین جامه ارسالی به مکه در دوران عثمانی بود و از بردن جامه به قلعه نزد



نایب السلطنه «خایربک» چنین فهمیده می‌شود که صنعت جامه‌بافی برای کعبه، در آغاز دوران عثمانی به قلعه منتقل نگردیده بود. نخستین بار جبرتی به هنگام سخن درباره جامه کعبه، در سال ۱۲۱۳ ه. که در خانه «مصطفی کتخدا» (که برخلاف معمول بوده؛ زیرا همیشه در قلعه بافته می‌شده است)^{۱۱} بافته شده، یاد کرده است چون در آن هنگام مصر از سوی نیروهای فرانسوی به اشغال درآمده بود و در نتیجه در آن سال نتوانست جامه کعبه معظمه را به مکه ارسال نماید؛ زیرا مصطفی بک کتخدا که امیرالحاج مصر در آن موسم بود، به تهمت قیام بر ضد فرانسویان، همچنانکه پیش از این یاد کردیم، دستگیر و زندانی شد. در این هنگام سیداسماعیل خشاب یکی از سرشناسان مصر، ناگزیر عهده‌دار جامه کعبه گردید و بدین منظور آن را به خانه «ایوب جاویش» در همسایگی مقام حضرت زینب علیها السلام منتقل کرد و آن را در این مکان به اتمام رسانیدند.

در سال ۱۲۱۹ ه. کارگاه جامه‌بافی به «بیت‌الملا» در خیابان «المقاصیص» انتقال یافت که در این هنگام «سید احمد محروقی» عهده‌دار ساختن جامه کعبه آن سال گردید. جبرتی در این باره می‌گوید: «در این ماه (رجب سال ۱۲۱۹ ه. ساختن جامه کعبه به وسیله سید احمد محروقی آغاز گردید که بدین مناسبت نامبرده عهده‌دار آن شد و این کار را در «بیت‌الملا» در خیابان مقصیص آغاز کردند.»^{۱۲} آن‌گاه که محمد علی پاشا حکومت مصر را در سال ۱۲۲۰ ه. به دست گرفت مجدداً کارگاه جامه‌بافی کعبه مکرمه به «قلعه» بازگردانده شد. این وضع همچنان ادامه داشت تا اینکه این صنعت به کارگاه دیگری واقع در «خَرْنَفُش» قاهره بنام کارگاه خَرْنَفُش^{۱۳} انتقال یافت. تا اینکه پس از مدتی به اداره جامه کعبه سپس به «دارالکسوة الشریفه» معروف گردید. جامه کعبه از آن پس، تا سال ۱۳۸۲ ه. یعنی تا آن هنگام که مصر از ارسال آن خودداری کرد، در این کارگاه ساخته می‌شد.

کارگاه جامه کعبه در خَرْنَفُش

این خانه در واقع از اداره بزرگی که معروف به «اداره خرنفش» بود، تشکیل می‌شد. والی مصر محمد علی در سال ۱۲۳۲ ه. خانه یادشده را در خیابان مسیحیان که معروف به «خمیس‌العدس» بود، بنا کرد. نامبرده این خانه را به اشاره برخی از مسیحیان فرنگی مقیم مصر در این دوره به وجود آورد تا اینکه خود به صورت محوری برای کارها و

صنعت‌های گوناگون در آمد و خارجیان متخصص در فنون مختلف به هنگام ورود به این سرزمین رو به سوی آن آوردند؛ به عبارت دیگر، محمدعلی در نظر داشت این کارگاه را همانند دیگر کارگاه‌ها و کارخانه‌هایی که در این دیار برای خدمت به ارتش مصری بنا کرده بود، مهیا سازد.

جبرتی به هنگام سخن دربارهٔ حوادث ماه ذی‌الحجه سال ۱۲۳۳ ه. از این کارگاه و تجهیزات گوناگونی که در آن وجود داشته می‌نویسد:

«... ساختمان گسترده‌ای است که بنای آن را از سال گذشته آغاز کرده‌اند، آنان مدتی را به ساختن دستگاه‌های میکانیکی و مادر در آن گذرانیده‌اند که پس از آن با دستگاه‌های یادشده وسایلی از قبیل سندان‌ها و دستگاه‌های برش آهن و دندانه‌های فلزی و آژه‌ها و چسب‌ها و جز اینها را در آن ساختند. در این ساختمان برای هر حرفه و صنعتی، جایگاه ویژه‌ای به وجود آورده‌اند که در بخش‌های یادشده هر کدام با توجه به فعالیت خود، صنعتی را ارائه می‌نمود. این بخش‌ها شامل نوارهای لغزنده و قرقره‌ها و دستگاه‌های میکانیکی خاصی بوده که در آن صنعت پنبه و انواع گوناگون ابریشم و پارچه و نیز پارچه‌های زربفت و نازک ساخته می‌شد.»^{۱۴}

طبیعی است که بافت جامهٔ کعبه - به بخشی که در آن صنعت پنبه و ابریشم و پارچه‌های زربفت فعالیت داشت - انتقال یافت. هنگامیکه صنعت‌های گوناگونی که در آن بخش فعالیت داشتند، متوقف گردید، تمامی این بخش تنها به فعالیت در مورد جامه‌بافی کعبه مکرمه اختصاص یافت که این مدت به بیش از یکصدوسی سال ادامه یافت. علی مبارک پاشا - پس از آنکه گفتهٔ جبرتی دربارهٔ این اداره را نقل کرده - می‌گوید:

«این سازمان تاکنون همچنان فعالیت داشته (در زمان خود) و مسئولیت آن را شخصی بنام «میری» به عهده دارد لیکن تمامی بخش‌های صنعتی گوناگون آن همانند صنعت‌های دیگر، از میان رفته و هم‌اکنون تنها کارگاه جامهٔ کعبه مکرمه که خداوند آن را معظم بدارد - در آن به فعالیت ادامه می‌دهد.»^{۱۵}

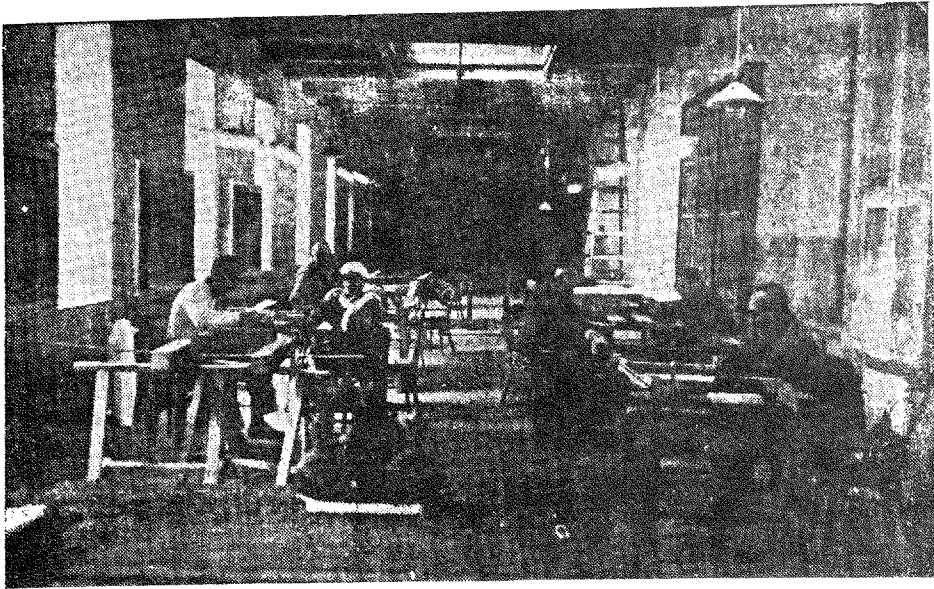
از این پس نام «مصلحة الكسوة الشریفه»^{۱۶} بر آن نهاده شد که این اداره تابعی از



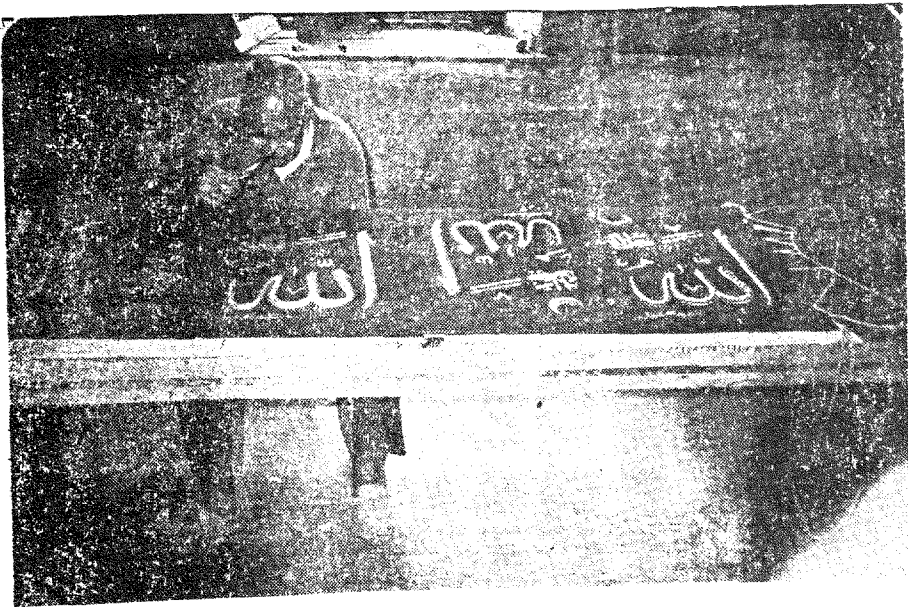
وزارت دارایی (=مالیه) مصر به شمار می‌آمد. این وضع تا سال ۱۳۳۷ هـ. / ۱۹۱۹ م. همچنان باقی بود که پس از آن به وزارت کشور (=داخلیه) منضم گردید و تا سال ۱۳۷۲ هـ. / ۱۹۵۳ م. باقی بود که در این سال نام آن به «دارالکسوة الشریفه» تغییر یافت. از این پس کارگاه یادشده بخشی از وزارت اوقاف مصر گردید و تاکنون نیز علی‌رغم متوقف ساختن جامه کعبه از سال ۱۳۸۲ هـ. همچنان بخشی از توابع وزارت اوقاف مصر به شمار می‌آید.^{۱۷}

گفتنی است که در این کارگاه، کلیه بخش‌هایی که صنعت جامه کعبه بدان نیازمند بود- از قبیل رسیدن و رنگرزی و پارچه‌بافی دستی سپس آرایش و زینت آن به وسیله تارهای زربفت به دست صنعتگران و هنرمندان مصری ویژه این کار- وجود داشت که این هنرمندان همواره به طور وراثتی هنر خویش را از خود به فرزندانشان انتقال می‌دادند. همچنین در این کارگاه، تارهای نقره‌ای مطلقاً نیز تهیه می‌شد که بدین منظور در بخشی نقره را بصورت تارهای نازکی درآورده و سپس به وسیله آب طلا آنها را می‌پوشانیدند. که از این پس هنرمندان در بخش آرایش با این تارها، جامه کعبه مکرمه را با اینگونه تارها زینت و آرایش می‌دادند. این هنر در طی چندین مرحله به انجام می‌رسید که در پس آن خط‌نگاران و خوشنویسان زبردست به نوشتن آیاتی از قرآن کریم بر آن پرداخته و نیز شکل‌های هندسی زیبایی را با نگین‌دوزیها بر قطعه‌های جامه به وجود می‌آوردند. از آن پس نوشته‌ها و شکل‌ها را به وسیله موادی بر جامه، تثبیت کرده سپس خطوط و شکل‌های یادشده به وسیله نخ‌های ویژه‌ای که بر روی آنها دوخته می‌شد، به طرز زیبایی برجسته شده و در پایان، هنرمندان بوسیله تارهای نقره‌ای مطلقاً روی تمامی آن خطوط و شکل‌ها را تزئین و آرایش می‌نمودند که در خاتمه کار این بخش دارای زیبایی و جلای خاصی می‌گردید و چشم هر بیننده را به خود جلب می‌کرد.

این کارگاه مدتها همچنان در بخش‌های گوناگون خود، نسبت به تهیه و بافت و آرایش جامه کعبه مکرمه، فعالیت داشت تا اینکه برای نخستین بار به علت بروز اختلافات سیاسی میان مصر و دولت عربستان سعودی، در سال ۱۳۴۴ هـ. ق. ادامه یافت و در این سال بود که پس از رفع مشکلات میان دو کشور، کارگاه یادشده باردیگر کار خود را از سرگرفت لیکن این بار تنها به بخش زینت و آرایش جامه پرداخت؛ زیرا در این



سالن زردوزی دارالکسوة حَرَنُفَش که در آن شش نفر از متخصصین مشغول بکار هستند



یکی از کارکنان در حال زردوزی جمله « الله جَلْ جلاله »



هنگام شرکت ریسندگی و بافندگی «المحلة الكبرى» و پس از آن شرکت «مصر حلوان» عملیات آماده سازی پشم و رنگرزی و ریسیدن پارچه‌های مرغوب جامه را به وسیله دستگاه‌های میکانیکي پیشرفته و نوین، آنهم با دقت و سرعت انجام می‌دادند و پارچه مورد نیاز جامه کعبه را مهیامی ساختند. آنچه که در این میان گفتنی است اینکه در فاصله توقف ارسال جامه کعبه به مدت ده سال (۱۳۴۴ - ۱۳۵۵ هـ.) دولت مصر بخشی را جهت آموزش و تعلیم هنر آرایش و زربفت بوجود آورد که در نتیجه آن، هنرمندان زبردست و ماهر فراوانی تعلیم دیدند.

در سال ۱۳۴۷ هـ. / ۱۹۲۸ م. کارگران شاغل در این کارگاه به ۵۹ نفر می‌رسید که اضافه بر آن سه ناظر و نیز شخصی بعنوان بسته‌بند و ریسی بر تمامی افراد یادشده که بدان «استاد باشی» می‌گفتند، وجود داشت. این شخص در سال ۱۳۹۰ هـ. / ۱۹۶۸ م. پس از گذراندن عمری بیش از نود سال درگذشت. نامبرده در سال ۱۳۸۸ هـ. / ۱۳۶۸ م. همانند یک جوان مشغول به کار بود و این وضعیت را تا اواخر زندگی خود ادامه داد. این کارگاه آنگاه که فعالیت خود را تنها در بخش آرایش و زربفت جامه ادامه داد، کم‌کم از تعداد کارگزارانش کاسته شد؛ به طوری که در سال ۱۳۸۱ هـ. / ۱۹۶۲ م.^{۱۸} جامه‌بافی کعبه متوقف گردید. از این پس بود که تعداد هنرمندان یادشده به شکل محسوسی رو به کاهش گذارد و این هنر زیبا (آرایش و زینت به وسیله تارهای نقره‌ای مطلقاً) رو به سستی گذاشت تا آنجا که هم‌اکنون در این کارگاه تنها شش نفر باقی مانده نسل هنرمندان زبردست گذشته مشغول به کار هستند و متأسفانه هم‌اکنون این هنر رو به انقراض و فراموشی گام برمی‌دارد.

هم‌اکنون افراد یادشده تنها به ساختن و تهیه پرده‌های گوناگونی ویژه مرقد اولیا و بزرگان و نیز ساختن برخی تابلوهای اسلامی فعالیت می‌نمایند.

نظام کار در کارگاه جامه‌بافی

کارگران فنی شاغل در کارگاه جامه‌بافی، هیچگاه به صورت ثابت و دائمی در این کارگاه به کار خویش ادامه نمی‌دادند بلکه این گروه همواره تابع وزارتخانه‌ای بودند که کارگاه زیر نظر آن به انجام وظیفه مشغول بود. بنابراین، کارگران تابع قراردادی بودند که



در آغاز هر سال از سوی وزارت خانه مورد نظر، با کارگاه قرارداد می‌بست. در این صورت دوزنده جامه از سوی وزارت، متعهد می‌گردید که پارچه‌های جامه کعبه را با توجه به اندازه‌های تعیین شده، جدا کرده و سپس به همراه قرار دادن آستر، همگی را بدوزد. در این تعهد، دوختن و آماده کردن پرده در کعبه و پرده «باب التوبه» نیز همراه بود. همچنین در آن نوع پارچه و رنگ آن و نیز کیفیت دوخت و نوع آستر و رنگهای آن مشخص می‌گردید. در این میان دوزنده جامه، بکاربردن تمامی مواد اولیه و ضروری تهیه جامه کعبه را، بنابر مصلحت و اقتضای جامه، به عهده می‌گرفت. همچنانکه نامبرده موظف بود کمربندهای هشتگانه آذین شده به تارهای نقره‌ای و طلائی را بر جامه بدوزد. علاوه بر این، نامبرده متعهد می‌شد در زمانی که از پیش تعیین می‌گردید، مجموع کارهای جامه‌دوزی را به پایان رساند و جامه را پیش از موعد مقرر برای حرکت، تحویل دهد و اگر وزارتخانه مشاهده نماید که کار جامه‌دوزی در زمان تعیین شده به پایان نمی‌رسد، خود حق تعیین افرادی را برای تسریع در اتمام کار، دارد. و سرانجام هزینه این افراد از دستمزد تعیین شده در آغاز، از متعهد کسر می‌گردید.

در تعهد نامه یادشده، میزان حقوق این کار نیز تعیین می‌شد که نیمی از آن را به هنگام پایان نیمی کار و نیمی بعد از در پایان کلیه کارها پرداخت می‌نمود.^{۱۹} اما نسبت به کارهای آرایش و تزیین جامه بوسیله تارهای نقره‌ای مطلقاً، همواره وزارتخانه پس از بررسی دستمزد هر مثقال از تارها (مثقال یک درهم و نیم و به عبارتی ۴/۶۸ گرم به شمار می‌آید) با کارگران فنی جامه ارتباط برقرار کرده و قرارداد سالیانه‌ای را منعقد می‌نمود. لازم به تذکر است که میانگین کار هر کارگر حدود دو مثقال در روز بود.

این قرارداد میان نماینده وزارت که کارگاه جامه زیر نظر آن فعالیت نموده از سویی و کارگران بخش یادشده از سوی دیگر منعقد می‌گردید که در این میان کارگران وظایف محوله را به عهده می‌گرفتند. این عقدنامه معمولاً دارای سیزده بند بود که مضمون تمامی بندهای آن تعهداتی است که کارگران برای به انجام رسانیدن کار خویش به صورت مطلوب و نیکو، آورده شده است. همچنانکه در بندهای ویژه آن نسبت به زمان پایان بردن کار و یا تأخیر آن نسبت به زمان تعیین گردیده، خصوصیات و مواردی را متذکر گردیده است.^{۲۰}

جامه کعبه و مواد اولیه آن

مواد اولیه‌ای که همه ساله برای بافتن جامه کعبه خریداری می‌شد، از این قرار بود:

- ۷۸۵ متر پارچه ابریشم سیاه رنگ که سرتاسر زمینه آن، نوشته‌هایی به صورت بافته داشت.

- ۱۰۰ متر پارچه ابریشم طبیعی سیاه ساده که ویژه کمربندها و پرده‌ها می‌باشد.
- ۱۳۴۱۴ مثقال از تارهای نقره‌ای سفید و تارهای نقره‌ای مطلقاً، (۶۲/۷۷۱ کیلوگرم) که در این میان (۱۰۴۴۲) مثقال از تارهای مطلقاً، و (۲۹۷۲) مثقال نقره می‌باشد.
- ۴ کیلو ابریشم سیاه به صورت مفتول (برای دوختن جامه کعبه مکرمه).
- ۴ کیلو چرم (ویژه دستگیره‌های جامه کعبه).
- ۳۰ متر پارچه ابریشم مصنوعی طلایی (ویژه آستر).
- تعداد شش عدد دکمه نقره‌ای مطلقاً به مقدار یکصد گرم (ویژه پرده در کعبه).
- ۳ باکو دوباره.
- ۹۶۰ متر چلوار سفید (سی و دو قطعه سی متری) ویژه آستر جامه.
- ۹۰ متر پارچه کتان ویژه آستر کمربندها و پرده‌های گلدوزی شده.
- ۵ کلاف ریسمان پنبه‌ای صیادی (۳ کلاف ۶/۵۰ و ۲ کلاف ۹/۵۰) برای استوار کردن گلدوزی‌ها.

- ۳ کلاف نخ کتان خام شماره ۲۰ شکری ویژه درج نوشته‌ها و نقش و نگارها.
- ۵ صندوق چوبی ویژه حمل جامه.
- ۵ کیلو شمع اسکندری برای موم اندود کردن نخ و کتان.
- ۴ دوجین قرقره نخ کتانی برای استوار کردن بخش‌های درج شده.
- یک کیلو زنجبیل ویژه جوهر نوشته‌ها بر پارچه.
- یک کیلو صمغ عربی برای تثبیت جوهر.
- ۵ متر پارچه ابریشم طبیعی سبز ویژه پرده‌ها و کمربندها.
- ۲ عدد دیگ که درون آنها به اندازه ۵۸ کیلوگرم گلاب جهت شست و شوی کعبه مکرمه قرار داده می‌شد.

لازم به یادآوری است که مصر در دوران اخیر و پیش از توقف ارسال جامه در سال ۱۳۸۱ هـ. / ۱۹۶۲ م. همواره از مواد اولیه یاد شده برای ساختن و مهیانبودن جامه کعبه استفاده می نمود.

هزینه‌های جامه شریفه کعبه

در اینجا نمی توان برآورد معینی از هزینه‌های جامه کعبه نمود؛ زیرا جامه کعبه در طول تاریخ هیچگاه به یک صورت نبود و باگذشت زمان - همچنانکه تغییراتی در زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم به وجود می آمد - جامه نیز این تحولات وجود داشت و نسبت به هر دوران، صنعت و آذین‌بندی آن رو به تغییر و ترقی بوده است.

در این میان با پیشرفت صنعت بافت و بهینه شدن آن و نیز ابداع روش جدید زردوزی بر پارچه‌ها و سپس تغییر مواد اولیه این کار؛ یعنی جایگزینی تارهای نقره‌ای مطلقاً به جای نخ‌های ابریشم در زردوزیها، همگی موجب آن می گردید که هزینه‌های تهیه و ساخت جامه روز به روز افزایش یابد. از سوی دیگر، کلیه منابعی که درباره جامه کعبه سخن به میان آورده، هیچگاه از هزینه‌های آنها یاد نکرده است و این بدان جهت است که معمولاً نیک مردان از پادشاهان و امرا و سلاطین، آن را در راه رضای پروردگار مهیا ساخته و به سوی کعبه مکرّمه ارسال می داشتند. بنابراین، نیازی به ذکر هزینه‌های آن و یا تعیین مقدار آن نبوده‌اند.

کهن ترین سندی که هزینه‌های ساختن و پرداختن جامه کعبه را آورده و می تواند راهنمای ما باشد، همان وقف نامه‌ای است که از سوی سلطان سلیمان قانونی در سال ۹۴۷ هـ. نسبت به وقف ده دهکده مصری بر جامه کعبه معظمه قرار داده شده است. طبق وقف نامه یادشده، هزینه‌ای معادل ۲۷۶۲۱۶ درهم نقره «آنچنانکه در سال‌های گذشته طبق عادت استفاده شده» در هر سال بوده است. پس از آن هیچیک از صنایع تاریخی در این باره سخنی به میان نیاورده است، لیکن در دوران جدید، آنگاه که برای ساختن جامه، جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفته شد، از سوی وزارت دارایی (=مالیه) مبلغی بعنوان سقف هزینه، تعیین گردید. بنابراین، در سال ۱۳۱۸ هـ. / ۱۹۰۱ م. هزینه جامه کعبه - طبق گزارشی که از سوی مدیر کارگاه جامه‌بافی «عبدالله بک فائق» - آمده است، مبلغ

۴۱۴۳ جنیه^{۲۱} مصری بوده است.

صورت هزینه‌های یادشده بدین شرح می‌باشد:

مورد هزینه شده	مبلغ (به جنیه)
حقوق رییس کارگاه جامه‌بافی ۳۰۰ جنیه و حقوق منشی و انباردار ۲۰۴ جنیه.	۵۰۴
حقوق سایر کارمندان	۱۲۹
هزینه‌های نقره‌ای مطلا و نیز هزینه دستمزد کارگران به همراه هزینه مراسم جشن ...	۳۵۱۰

بدین ترتیب مجموع هزینه‌های یادشده برابر با ۴۱۴۳ جنیه می‌باشد.^{۲۲} علاوه بر این، خزانه کاروان در آن سال (۱۳۱۸ هـ / ۱۹۰۱ م.) جملگی بالغ بر $۲۶۲\frac{۱}{۴}$ ملیم ۱۸۸۹۳ جنیه گردیده بود. این مبلغ به خزانه‌دار کاروان که همه ساله به همراه کاروان محمل و جامه حرکت می‌کرد، تحویل داده می‌شد.

نامبرده طی مراسمی با تنظیم شهادت‌نامه‌ای شرعی و رسمی و در حضور وزیر دارایی (=مالیه) و امیرالحاج و خود او و گروهی از صرافان و نیز صرافی به نمایندگی از سوی وزارت مالیه و نماینده‌ای از سوی قاضی القضاات مصر تشکیل می‌گردید، خزانه را در اختیار خویش قرار می‌داد.

خزانه کاروان در واقع شامل هزینه سه ماهه سفر همراهان کاروان و حقوق امیر مکه و سایر اشراف و دیگر عرب‌های ساکن مکه و دو تکیه مصری در مکه و مدینه و دیگر هزینه‌های ضروری همانند اجرت شتران و علوفه آنها بود.^{۲۳} اما هزینه‌های کارگاه جامه‌بافی در سال ۱۳۲۵ هـ / ۱۹۰۸ م. برابر با مبلغ ۴۰۸۴ جنیه بود^{۲۴} این مبلغ با در نظرگرفتن هزینه سال ۱۳۱۸ هـ. حدود ۵۹ جنیه کمتر شده بود. که به نظر می‌رسد در نتیجه تغییر قیمت‌های مواد اولیه کارگاه باشد. این هزینه‌ها در سال ۱۳۲۸ هـ. - در سالی که خدیو عباس حلمی پاشا سفر حج گزارد - افزایش یافته بود و به ۴۵۵۰ جنیه مصری رسید.

ریز صورت این هزینه‌ها در جدول صفحه مقابل آمده است:



مورد هزینه شده	مبلغ (به جنیه)
قیمت تارهای نقره‌ای و نیز تارهای نقره‌ای مطلقاً.	۵۱۵
حقوق کارگران زربفت‌کار، که تعداد آنان ۴۷ نفر بود.	۱۶۶۴
قیمت ابریشم و حقوق کارگران آن، که تعداد آنان به ۷۰ نفر می‌رسید.	۱۱۱۱
قیمت مواد اولیه از قبیل چلووار و آستری آن.	۲۰۰
هزینه برپایی مراسم جشن که همه ساله به هنگام حرکت کاروان جامه برپا می‌گردید.	۱۵۰
مزدگانی که کارگران در روز پایان کار جامه دریافت می‌داشتند.	۶۰
حقوق خدمتگزاران و خدمه کارگاه جامه باقی مجموع هزینه‌های انجام شده در سال یادشده	۸۵۰

خدیدو عباس حلمی دوم پس از مراجعت از سرزمین‌های مقدس، فرمان به عنایت و توجه بیشتر نسبت به جامه کعبه مکرمه صادر نمود که میزان هزینه یادشده در سال‌های پسین، افزایش یافت. ۲۵ در آغاز جنگ جهانی اول و پس از آن به علت افزایش مواد اولیه و نیز بالا رفتن میزان دستمزد کارگران، این هزینه‌ها آنچنان بالا رفت که در سال ۱۳۴۰ هـ. / ۱۹۹۲ م هزینه ساختن جامه کعبه بالغ بر ۱۰۳۲۲ جنیه مصری گردید. ۲۶

هنگامی که مصر در سال ۱۳۵۵ هـ / ۱۹۳۶ م. پس از توقف ده ساله، از ارسال جامه کعبه به علت حادثه محمل، تصمیم به تهیه و ارسال مجدد آن گرفت، هزینه‌ها آنچنان افزایش یافته بود که ناچار سازمان حج و گمرک که بخشی از وزارت کشور (=داخلیه) به شمار می‌آمد، بخش نامه‌های نوینی مبنی بر افزایش هزینه سفر جامه کعبه و کاروان محمل به سرزمینهای حجاز را در سال ۱۹۳۶ - ۱۹۳۷ م / ۱۳۵۵ - ۱۳۵۶ هجری به مرحله اجرا درآورد که میزان هزینه تعیین شده، طبق آنچه که در دست ما است، مبلغی برابر با ۴۱۳۳۸ جنیه مصری بود. این مبلغ بعنوان هزینه سفر کاروان محمل و خزانه آن و نیز هزینه‌های اداری دیگر آن، به شمار می‌آمد. طبق اسناد یادشده اشاره‌ای به هزینه ساخت جامه کعبه در میان مبالغ پیشنهادی نوین، نشده است و این نشان دهنده آن است که گویا جانه کعبه در دوران توقف یادشده، در کارگاه جامه باقی آماده و مهیا می‌شده است.

پانوشتها:

- ۱- تمامی رتبه‌ها و درجه‌های یادشده پس از انقلاب ۲۳ ژوئیه سال ۱۹۵۲م. برچیده شد.
- ۲- محمد طاهر کردی، تاریخ القدیم، ج ۴، ص ۲۳۶
- ۳- به بخش جامه در دوران عباسی مراجعه نمایید.
- ۴- مقریزی، الخطط، ج ۱، صص ۳۲۹ و ۳۳۱ و ۳۳۸. همچنین نک: علی پاشا مبارک؛ الخطط التوفیقیه، چاپ اول، بولاق ۱۳۰۴ ه. ج ۱، صص ۴۴ و ۴۶
- ۵- مقریزی، الخطط، ج ۱، صص ۳۳۷، ۳۳۸ و ۳۳۹ و نیز نک: علی پاشا مبارک الخطط التوفیقیه، ج ۱، صص ۴۹-۴۴
- ۶- مقریزی: الخطط، ج ۱، صص ۳۳۹، ۴۲۲
- ۷- منظور بارگاه رأس الحسین در قاهره می‌باشد، «مترجم».
- ۸- صبح الأعشى، ج ۴، ص ۵۷
- ۹- قصر ابلق، کاخ ساخته ناصر محمدبن قلاوون در سال ۷۱۳ ه. بوده است. وی این کاخ را به وسیله سنگ‌های سیاه و زرد بنا کرد که به همین مناسبت ابلق خوانده شد. این کاخ همانند قصر ابلق دمشق ساخته «ظاهر بیبرس» بنا گردید. نامبرده نخستین فردی است که ساختمان رنگین از دو نوع سنگ، سفید و زرد و یا سیاه و زرد را به مصر آوردند و سپس ناصر از او تقلید کرد. مقریزی در خطط خود در این باره چنین می‌گوید: «این قصر مشرف بر اصطبل بوده که به وسیله ملک ناصر محمدبن قلاوون در شعبان سال هفتصد و سیزده آغاز گردید و در سال هفتصد و چهارده به پایان رسید... عادت این چنین بود که سلطان تمامی روزهای هفته، به استثنای دوشنبه و پنجشنبه را در این کاخ جلوس می‌کرد و به خدمت مشغول می‌گردید و دو روز یاد شده را در «دارالعدل» به سر می‌برد. سلطان از کاخ‌های جانبی بدین کاخ وارد می‌شد و گاه در صدر ایوان این کاخ که مسلط بر اصطبل بود جلوس می‌کرد و گاه خود بر زمین نشسته و امرا و فرمانروایان همگی در حال ایستاده در اطراف او فرمان‌ها را دریافت می‌داشتند. این کاخ درآمدهایی داشت که بیشتر آنها از میان رفته و هم‌اکنون تنها آثاری از این کاخ باقی مانده است...» نک: مقریزی، الخطط، ج ۳، صص ۴۱ و ۴۲
- ۱۰- ابن ایاس، بدائع الزهور، ج ۵، صص ۲۱۲ و ۲۱۳
- ۱۱- جبرتی، عجائب الآثار، ج ۵، ص ۲۸
- ۱۲- جبرتی، عجائب الآثار، ج ۶، ص ۱۸۷؛ بیت الملامان دارالملاهی معروف است که این خانه به وسیله امیر «بیبرس حاجب» یکی از امیران ملک ناصر محمدبن قلاوون، بنا نهاده شد. امیر یاد شده در سال ۷۴۲



ه. وفات یافت. علی مبارک پاشا این خانه را این گونه توصیف می‌کند: «... دارای ورودی وسیعی بوده که سقف آن بسیار بلند می‌باشد. این خانه همچنین دارای ورودی‌ها و اتاق‌های متعدد دیگری نیز می‌باشد... هنگامیکه این خانه در وقف ملا در آمد به «دارالملا» معروف گردید و تاکنون نیز به همین اسم نامبردار (الخطط التوفیقیه، ج ۲، صص ۲۱ و ۲۲) است.»

۱۳ - جبرتی، عجائب الآثار، ج ۷، صص ۲۸۹، ۴۱۳ و ۴۳۴

۱۴ - جبرتی: عجائب الآثار... ج ۷، ص ۴۳۴

۱۵ - علی مبارک، الخطط التوفیقیه، ج ۳، ص ۲۷

۱۶ - اداره جامه شریفه.

۱۷ - طبق اسناد و دفاتر «دار الکسوة الشریفه» در قاهره که در آن به طور خلاصه از چگونگی کار و پیشرفت هنری و عملی ساختن جامه کعبه از روزی که در آن آغاز به کار گردید، سخن رفته است. مؤلف، خود از این کارگاه واقع در خرنفش قاهره چندین بار دیدن کرده و بر دفاتر و اسناد موجود در آن اطلاع یافته همچنانکه از این اسناد و برگه‌ها، عکس‌هایی بعنوان سند تهیه کرده است و نیز مؤلف قطعه‌های جامه کعبه را که در سال ۱۳۸۱ ه. به مصر باز گردانیده شده، مشاهده کرده و از برخی قطعه‌های آنان عکس نیز گرفته است. نامبرده از بخش بافت جامه‌های زربفت و ابریشمی در آن به هنگام کار دیدن کرده و عکس‌های متعددی از چگونگی کار در این بخش و نیز از ساختمان آن گرفته است.

۱۸ - برگرفته از اسناد و دفاتر «دار الکسوة الشریفه» در قاهره.

۱۹ - اسناد و مدارک «دار الکسوة» در قاهره:

صورت تعهدنامه دوزنده جامه که شامل بریدن و دوختن و آسترکردن جامه کعبه در سال ۱۳۶۲ ه. / ۱۹۴۲ م. می‌شد.

۲۰ - نظر به اینکه اینجانب خصوصیت ویژه‌ای را در بندهای این قرارداد ملاحظه کردم، بنابراین از ترجمه آن خودداری نمودم، «مترجم».

۲۱ - جنیه مصری معادل یک لیره استرلینگ انگلیسی در آن دوران به شمار می‌آمده است، «مترجم».

۲۲ - ابراهیم رفعت پاشا، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۹۷

۲۳ - ابراهیم رفعت پاشا، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۶

۲۴ - ابراهیم رفعت پاشا، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۹۷

۲۵ - بتوننی، الرحلة الحجازیه، صص ۱۳۷ و ۱۳۸

۲۶ - ابراهیم رفعت پاشا، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۹۷

